

چکیده

در عصر حاضر معماری از سبک بین الملل (معماری مدرن) به سمت مخاطب محور (معماری پست مدرن) سوق پیدا کرده است. معماری، پایداری خود را زمانی حفظ می کند که به عواملی مانند اجتماع، فرهنگ، سنت، محیط، تصاویر ذهنی افراد و ... پاسخ مناسبی ارائه دهد. از این رو تحقیق حاضر، بر آن شده است تا مفهوم معماری پایدار را از نقطه نظر پایداری اجتماعی و دیدگاه روانشناسی محیط بررسی و تحلیل کند. پایداری اجتماعی به چه چیزی اطلاق می گردد؟ نقش آن در بهبود کیفیت زندگی و معماری پایدار چگونه است؟ و همچنین در خلق فضا توجه به رویکردهای فوق، می تواند آرامش و تعلق محیط زندگی را افزایش داده علاوه بر آن به فضاهای عمومی سرزندگی و پویایی ببخشد و از یکنواختی محیط های خصوصی جلوگیری کند.

در این پژوهش با روش تحلیلی — استقرایی تلاش شده است پیوند میان حوزه های روان شناسی و معماری با در نظر گرفتن جایگاه روان شناسی محیطی در معماری و اهمیت شناخت ارتباط بین محیط و طراحی، به شناخت رویکردهایی در جهت ترویج رفتارهای پایدار پرداخته شده است. بنابراین پژوهش به صورت کیفی به عنوان روش اصلی و بر پایه تحلیل توصیفی به عنوان روش مکمل می باشد. در ابتدا با بررسی مولفه های پایداری اجتماعی و دانش روانشناسی محیطی و در انتهای بحث به بررسی راهبردهایی برای استفاده از این دو برای رسیدن به پایداری اجتماعی در معماری پرداخته شده است. هدف اصلی این پژوهش پاسخگویی به این پرسش است که تاثیرگذاری روان شناسی محیط و بهره گیری از مفاهیم پایداری اجتماعی در ایجاد معماری پایدار از چه طریقی امکان پذیر است؟ بر اساس نتایج به دست آمده نقاط ضعف و قوت یک طرح معماری بر استفاده کنندگان آن تاثیر مستقیم دارد. ضروریات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه، حکم می کند در پاسخگویی به نیازهای کمی و کیفی معماری امروز، نه در پی چاره جوئیهای حداکثر و دست بالا بلکه در جستجو راه حل های مناسب و مقدر باشیم. راه حل هایی که در عین تناسب با شئون فرهنگی جامعه حداقل شرایط لازم برای زیست و روابط اجتماعی مطلوب را در اختیار مخاطبان قرار دهد رسیدن به این مهم موجب تقویت تعاملات اجتماعی، بیشتر شدن حس تعلق به محیط و منجر شدن به پایداری اجتماعی خواهد شد. چنانچه در فرآیند توسعه به خصوصیات و ویژگی کاربران فرهنگ آنها توجه نگردد احتمالاً با مقاومت و برخورد استفاده کنندگان مواجه گردیده، این فرایند به ناپایداری منجر خواهد شد.

واژگان کلیدی: روان شناسی محیط، معماری پایدار، توسعه پایدار، پایداری اجتماعی

* دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات البرز، ایران.

** دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات البرز، ایران.

مقدمه

طراحی پایدار درحیطه معماری شامل، سه اصل «صرفه جوئی در مصرف انرژی»، «طراحی بر اساس چرخه حیات» و «طراحی انسانی» می باشد. در این بین، دو اصل اول تکنیکی بوده و با مصالح و روش های ساخت و انرژی های تجدید پذیر ارتباط دارند. در حالی که اصل سوم برگرفته از انسان و روش های زندگی اوست و به «پایداری اجتماعی» معروف است (رئیس، ۱۳۸۶، ص ۶). در بین این عوامل، نقش عامل انسان و فرهنگ بعنوان عامل غیر کالبدی بمراتب ازدو مولفه دیگر شاخص تر است این مولفه می تواند عامل سازندگی، توسعه و یا تخریب و تضییع دو مولفه دیگر باشد. شرایط ناپایدار اجتماعی در نهایت به ناپایداری محیطی و اقتصادی منجر خواهد گشت. محیط مصنوع توسط انسان ساخته و مورد بهره برداری قرار می گیرد و در نهایت توسط انسان حفظ و یا تخریب می گردد. در این راستا تاثیر محیط بر رفتار انسانی انکارناپذیر است. کارل گوستاو یونگ روانشناس سوئیسی در مورد سیستم رفتاری می گوید «مردم به همان اندازه که محصول محیط اجتماعی هستند، ساخته محیط فیزیکی نیز به شمار می روند» (نمازیان، ۱۳۸۰، ص ۷۰). رفتارهای جمعی محصول ویژگی های فرهنگی و اجتماعی غالب است. از این رو مطالعه الگو های رفتاری، نقش تعیین کننده در بیان چگونگی استفاده مردم از فضا داشته و تاثیر بسزائی در طراحی و برنامه ریزی محیط مصنوع دارد. کوین لینچ در این مورد می گوید: «ارزش هرگونه فضایی در شهر بسته به میزان رضایتی است. که برای فرد عابر و یا ساکن در آن فراهم می کند» (مزینی، ۱۳۷۴، ص ۱۲). فرهنگ در طی فرآیند اجتماعی شدن، رفتار را تحت تاثیر قرار می دهد و توسط این فرآیند است که آداب و رسوم، سنت ها، ارزش ها و... شکل می گیرد. پژوهش درباره فرهنگ های متفاوت نشان می دهد که فرهنگ بر روی درک، تجسم ادراکی و الگوهای رفتاری انسان تاثیر دارد رفتار و عکس العمل های انسان در برابر محیط فیزیکی و تاثیر محیط بر روی رفتار انسان نیز موضوع بسیار پیچیده ای است (نمازیان، ۱۳۷۸، ص ۷۹). تعریف مشخص قلمروهای فضائی محیط باعث تقویت حس تعلق به محیط می شود. طراحی محیطی که جوابگوی نیازهای متعدد انسانی باشد. کاربران را از اعمال تغییرات در محیط بی نیاز می سازد (نمازیان، ۱۳۸۰، ص ۷۰). روانشناسی محیطی با محتوی (محیط های ساختمانی، طبیعی و اجتماعی) رشته ای است که با تعاملات و روابط میان مردم و محیطشان سروکار دارد. بطور سنتی تاکید در روانشناسی محیطی بر این بوده است که چگونه رفتار، احساسات و حس تندرستی انسان تحت تاثیر محیط فیزیکی قرار می گیرد (مک اندرو، ۱۳۹۳، ص ۲). هیچ اثر معماری را نمی توان و نباید بدون توجه به محیط طرح کرده و یا ساخت. زیرا محیط هم بر معماری تاثیر می گذارد و هم از آن تاثیر می پذیرد (مزینی، ۱۳۷۱، ص ۱۳). با توجه به اینکه بهره گیری از علوم رفتاری در راستای اصلاح و انگیزش رفتارهای پایدار در طراحی معماری از جایگاه ویژه ای برخوردار است، لذا لازمست تا در ابتدا بستر شکل گیری رفتارهای انسانی که همانا نیازهای انسانی است مورد بازشناسی قرار گیرد. در این نوشتار مدل نیازهای ابراهام مازلو^۱ به عنوان مبنای بررسی نیازهای روانی انسانی مورد بررسی قرار می گیرد. این مدل در سطوح مختلف، نیازهای روانی انسانی را مورد مطالعه قرار می دهد. با توجه به موضوع نوشتار حاضر، نیازهای روانی انسان در بخشی از هرم مازلو که با اهداف پایداری در ارتباط است مورد تحلیل قرار می گیرد. در واقع مبنای شکل گیری رفتارها، نیازهای انسانی است (نگ، ۱۳۸۴، ص ۲۵).

توسعه پایدار و پایداری اجتماعی

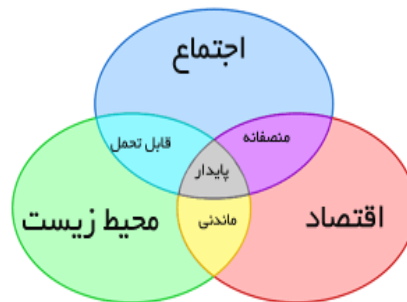
«توسعه پایدار»^۱ به معنی ارائه ی راه حل هایی در مقابل الگوهای فانی کالبدی، اجتماعی و اقتصادی توسعه می باشد که از بروز مسائلی همچون نابودی منابع طبیعی، تخریب محیط زیست، و پایین آمدن کیفیت زندگی انسانها در حال و آینده جلوگیری کند توسعه پایدار تحولی است که هدف آن تامین نیازهای امروزی، بدون از بین بردن قابلیت های نسل آینده در تامین نیازهایشان است (سفلابی، ۱۳۸۳، ص ۶۴). هدف توسعه پایدار رفاه کامل برای بشریت است. برای تحقق این امر، پایداری در سه حیطه محیطی، اقتصادی و اجتماعی مورد کنکاش قرار می گیرد. اما تقسیمات مذکور با همان کارایی در معماری مطرح نمی باشند! (رئیس، ۱۳۸۶، ص ۷) در شکل ۲ اهداف توسعه پایدار در هر سه جنبه اجتماعی، اقتصادی و محیطی آمده است. البته اخیراً ویلیامسون بر اساس مفهوم بوم شناسی کامل با نگاه همه جانبه به عوامل مؤثر بر طراحی، معماری پایدار را در سه عامل مؤثر طبیعی، فرهنگی و فناوری مورد بررسی قرار می دهد. از دیدگاه او تصویر فرهنگی معماری پایدار از مطالعه فرهنگ های محلی، روح مکان و توازن میان عوامل فرهنگی حاصل می شود (نگ، ۱۳۸۱، ص ۱۹).



شکل ۲- اهداف توسعه پایدار (مأخذ: غریزی، ۱۳۸۰، ص ۲۱)

به منظور خواناتر کردن مقوله پایداری در حیطه معماری میتوان آن را در دو زمینه اصلی مورد مطالعه قرار داد. نخست پایداری کالبدی که از آن به عنوان پایداری اقلیمی یا معماری سبز یاد می شود. زمینه دیگر، پایداری غیرکالبدی یا «پایداری اجتماعی» می باشد (رئیس، ۱۳۸۶، ص ۷). معماری می تواند نقش ارزنده ای در یافتن راه حل هایی برای تاثیر متقابل گروه های اجتماعی بر هم

ایفا کند! همانطور که ساختارهای اجتماعی بر معماری اثر می گذارد، عکس آن نیز می تواند اتفاق بیفتد (رنیسی، ۱۳۸۶، ص ۶). در جوامع مدرن ۷۰٪-۹۰٪ عمر افراد در فضاهای معماری سپری می شود. در این راستا، معماران نیز همسو با سایر دست اندرکاران در پی یافتن راهکارهای جدید، برای تامین زندگی مطلوب برای انسان بوده اند (Edwards, 2006, p.3). توسعه پایدار در حیطه معماری مطابق تصویر زیر به سه موضوع پایه ای اقتصاد (کاهش مصرف سوخت) محیط زیست (آلودگی محیط زیست) و جنبه اجتماعی (فرهنگ و جنبه انسانی) می نگرد (Edwards, 2006, p.3). هدف طراحی پایدار یافتن راه حل های معمارانه است که همزیستی این سه جنبه را تامین کند (حمیدی، ۱۳۸۳، ص ۶).

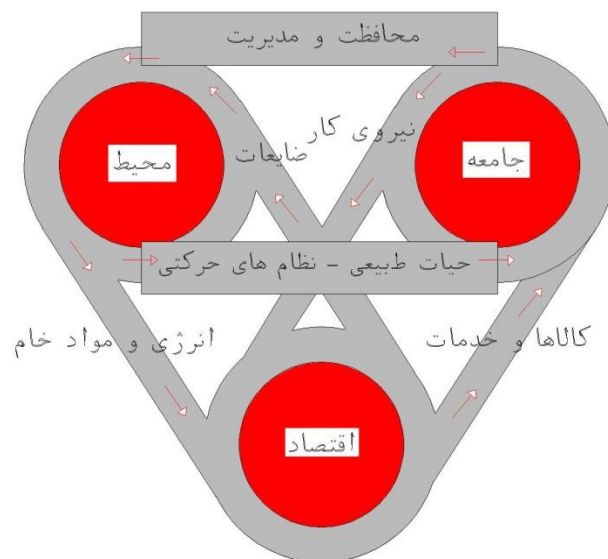


شکل ۱- جنبه های توسعه پایدار (مأخذ: Edwards, 2006, p.3)

ضروری ترین نقش معماری در فرایند پایداری، خلق محیط پاسخده و تامین نیاز ساکنان می باشد که امنیت، آسایش، رفاه، آسودگی خیال و ... را تداوم بخشد (Ewans, 1996, p.85).

پایداری اجتماعی

تاکنون دامنه گسترده ای از مفاهیم در خصوص پایداری اجتماعی همچون سرمایه اجتماعی، اجتماعات پایدار، تاب آوری اجتماعی، توسعه اجتماعی، ظرفیت اجتماعی و رفاه و محرومیت اجتماعی صورت گرفته، که حاصل تغییر نگرش به مفهوم توسعه به معنای عام و توسعه روستایی به معنای خاص آن بوده است (Barron and Gauntlett, 2002, 4-5). پایداری اجتماعی تحت عنوان زندگی سالم و بارور و هماهنگ با طبیعت تعریف شده است. در این تعریف، همان طور که شکل ۴ نشان می دهد، بقا و حیات جامعه، همگام با حفظ کیفیت محیطی و مرتبط با نظام های اقتصادی در جهت دستیابی به بالاترین سطح رضایت از زندگی است (GTZ, 2004, 2).



شکل ۴- تعامل جامعه، محیط و اقتصاد در فرآیند توسعه پایدار (مأخذ: GTZ,2014)

در تعریف پایداری اجتماعی، گروهی از محققان به چهار عنصر اصلی و تعیین کننده اشاره کرده اند: عدالت اجتماعی، همبستگی اجتماعی، مشارکت و امنیت. در این معنا، مؤلفه هایی چون فرصت های برابر و توأم با پیشرفت برای تمامی انسان ها، زندگی همراه با تعاون و همکاری، فرصت های برابر برای تمامی افراد در جهت ایفای نقش های اجتماعی به همراه امنیت، امرار معاش و ایمنی سکونتگاه های انسانی در برابر مخاطرات طبیعی، مبنای سنجش پایداری اجتماعی قرار گرفته اند (DFID,2002,2). به علاوه، بسترسازی به منظور ظهور و بروز خلاقیت ها، بسیج آحاد مردم در جهت تامین اهداف توسعه ی پایدار، و نیز اطمینان از « آینده ای بهتر برای همه» با تاکید بر رفاه مردم بومی و تاکید بر نقش حیاتی آنان در مدیریت محیطی و توسعه، از ارکان تعریف پایداری اجتماعی است (Moffatt,1996,35). در پایداری اجتماعی، منابع باید به گونه ای مورد بهره برداری قرار گیرند که نسل های آتی نیز قابلیت تصمیم گیری برای تامین نیازهای خود را با بهترین سطح رضایت داشته باشند. در این تعریف سیاست برنده _ برنده مورد تاکید تصمیم گیران با هدف دستیابی به پیشرفت های اقتصادی، اجتماعی و محیطی مورد نظر است (Martin,2001,4). در رویکرد اجتماعی به توسعه ی پایدار، جایگاه مردم فقیر و نیازهای اساسی آنان در اولویت است. در این رویکرد، تاکید بر عدالت اجتماعی است. بدین ترتیب تامین نیازهای مادی مردم از اولویت های توسعه پایدار است. جوامعی که در آن عدالت نباشد پایداری نیز وجود ندارد، زیرا چنین جوامعی زمینه بهره برداری گروهی خاص را از گروه های دیگر فراهم می کنند. بدین ترتیب در مبحث اجتماعی توسعه ی پایدار تاکید بر رفع بی عدالتی و بی تعادلی در سطح جوامع مورد توجه است. در توسعه ی پایدار با رویکرد اجتماعی دو مفهوم مشارکت و توانمندسازی جایگاه ویژه ای دارند (Overton,1999,7-8). گروهی نیز معتقدند که پایداری اجتماعی دربر گیرنده برابری، تامین خدمات اجتماعی نظیر آموزش و بهداشت، برابری جنسیتی، پاسخگویی سیاسی و مشارکت اجتماعی است (Harris,2000,6). مفهوم پایداری اجتماعی عمدتاً با ابعاد کیفی همگام است و با مفاهیمی چون «زندگی انسان» و «احساس رفاه» مورد ارزیابی قرار می گیرد. پایداری اجتماعی به معنای حفظ و بهبودبخشی سرمایه ی اجتماعی، یعنی شکل دهی جوامعی همگن و یکپارچه با منافع متقابل، دارای ارتباط و تعامل میان گروه های مردمی، جامعه ای دارای احساس ترحم، صبوری، قابلیت انعطاف و تابع عشق و وفاداری که گاه با سرمایه ی اخلاقی نیز همراه می شود. سرمایه ی اجتماعی به حقوق برابر انسان ها و مذاهب و

فرهنگ ها و همچنین حفظ ارزش هایی که چنین شرایطی را در جوامع انسانی می پروراند، اطلاق می شود (Goodland, 2003, 1-6). گاه در تعریف پایداری اجتماعی بر خواست مردم به زندگی در مکانی معین اشاره می شود و بر توانایی آنان در استمرار چنین روندی - چه در زمان حاضر و چه در آینده - تاکید می گردد (Long, 2003, 5). معیار فرهنگی مفهوم پایداری بیانگر تعریفی از روح مکان است که معماری جزئی از آن است (شولتز، ۱۳۸۲، ص ۲۰). این تصور بازتابی از دیدگاههای مردم شناختی است که مردم را از جهت فرهنگی با مکان مرتبط می داند و به این باور اتکا دارد که توجه به فرهنگ مهمترین عامل پایدار ساختن معماری است (عینی فر، ۱۳۸۱، ص ۱۸).

پایداری اجتماعی در معماری

در توسعه پایدار، معماری و شهرسازی به عنوان محیط و بستر زندگی بشری از جایگاه مهمی برخوردار می باشند. از این رو طراحی پایدار نوعی دخل و تصرف در محیط است که تلاش می کند راه حل هایی ابداع نماید که بتواند در نگاهی کل گرا به تعادلی دست یابد که کیفیت برتری برای زندگی نسل کنونی و میراث مناسبی را جهت آیندگان فراهم کند (احمدی، ص ۹۴). پروژه ای از پایداری اجتماعی برخوردار است که محیط زندگی هماهنگ و هارمونیک ایجاد کند، نابرابری ها و شکاف های اجتماعی را کاهش دهد و به طور کلی کیفیت زندگی را افزایش دهد (Edwin, 2010, 2). فرانسیس تیبالدز هم به ساختن محیط هایی اشاره می کند که دوام می آورند، با محیط اطراف خود هماهنگ اند و مقیاس و شتاب تغییر آن ها به کمک مردم کنترل می شود (تیبالدز، ۱۳۸۳، ص ۷۹). پایداری در معماری شامل اهداف کالبدی از جمله اهداف محیطی و اقتصادی و اهداف غیر کالبدی، شامل هدف های اجتماعی می باشد. برای مثال استفاده از مصالح قابل بازیافت در ساختمان، طراحی اقلیمی ساختمان، صرفه جویی در مصرف انرژی و تقلیل هزینه ها در دراز مدت از اهداف کالبدی پایداری و استفاده از رنگ ها یا فرم های خاص با هدف خاطره انگیزی و یا توجه به کیفیت فضا و فرهنگ جز اهداف غیر کالبدی معماری پایدار محسوب می شوند. پایداری اجتماعی به نوعی با همان اهداف غیر کالبدی معماری پایدار در ارتباط است. آنچه امروزه با عنوان پایداری اجتماعی در معماری مطرح می شود در حقیقت برخاسته از رویکردهای فرهنگی - اجتماعی در معماری است. در این نگرش تأثیر رفتارها، اعتقادات و فرهنگ جامعه در معماری در درجه اول اهمیت قرار می گیرد. به طور کلی معماری با رویکرد پایداری اجتماعی طراحی فضایی است که با فرهنگ، رفتارها و روش زندگی انسان ها برای حداکثر زمان ممکن هم خوانی داشته باشد و بستر مناسب زندگی بشر برای زمان های طولانی به شمار آید (حبیبی، ۱۳۸۶، ۱۷ و ۱۸). از این رو پایداری اجتماعی مرتبط با نیازهای اساسی انسان از جمله شادی، امنیت، آزادی، کرامت و محبت است. معماری پایدار به لحاظ اجتماعی پاسخگو می باشد. که باید با بررسی نیازها و رفتارهای انسان طراحی را به گونه ای جهت دهد تا ارتباط انسان و محیط مصنوع برای مدت طولانی برقرار باشد و به عبارتی دیگر فضا به مدت طولانی زنده و پایدار باشد و این مستلزم شناخت کیفیت های فضایی است که بر اساس نیازهای انسانی تعریف می شوند و از انعکاس این نیازها در طراحی فضا بوجود می آیند (رئسی، حبیبی، ۱۳۸۶). هم چنین پایداری اجتماعی به پایداری و ارتقاء کیفیت اتفاقاتی می پردازد که در درون کالبد معماری جریان دارد (حبیبی، ۱۳۸۶). و اینجاست که برای پایداری جریان اتفاقات در فضا و بهبود کیفیت آن ها نیاز به تعریف و پیش بینی رویدادهای مطلوب در فضا پدید می آید و هم چنین عواملی مانند ایجاد حس مکان، حس تعلق خاطر و عوامل هویت ساز در فضا نقش اساسی پیدا می کنند، تا محیط و جریانات درون آن را پایدار و ماندگار نمایند (رئسی، حبیبی، ۱۳۸۶).

راهکارهای طراحی بر اساس پایداری اجتماعی

معماری بر نحوه تعاملات ما، حس مکان و درک ما از فضا و میزان امنیت و کاهش جرم و جنایت در فضا تأثیر گذار است، لذا هدف از پایداری اجتماعی برای جوامع آینده کشف راه های عملی برای طراحی است که به پیشرفت و بهبود در زندگی و کار افراد کمک نماید. پایداری اجتماعی در نظر گرفتن جنبه های فرهنگی و روزمره زندگی در طراحی است و این که معماری با فرهنگ، مذهب و نیازهای مردم تناسب داشته باشد (social sustainability.org).



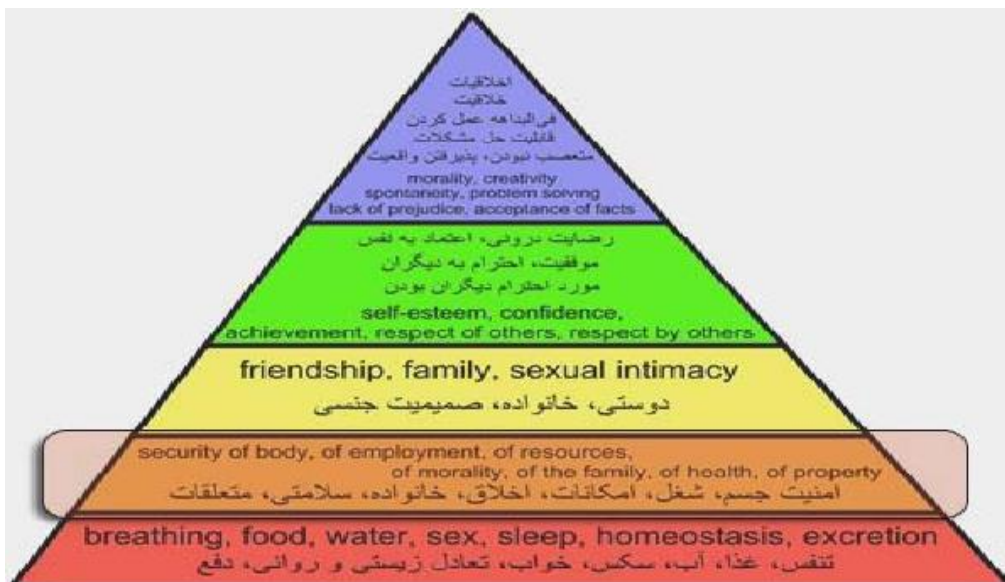
شکل ۵- چهار عنصر اساسی برای طراحی براساس پایداری اجتماعی

مواردی از قبیل رضایت از نیازهای رفاهی، حفاظت از منابع و محیط اطراف، ایجاد محیط زندگی هارمونیک، تسهیل عملکردهای روزانه، در دسترس بودن فضاهای باز از عوامل زمینه ای برای بالا بردن پایداری اجتماعی پروژه های شهری است (Edwin, 2010, 2). برنامه شهری اجتماعی پایدار می تواند از طریق ارائه طیف وسیعی از امکانات حمل و نقل، مسکن، گزینه های تفریحی، ایجاد ارزش های اجتماعی برای مدت طولانی برای شهروندان و استفاده از اهرم شبکه های اجتماعی و شهری برای رسیدن به اهداف پایداری اجتماعی، جوامعی بسازد که در آن افراد از زندگی سالم تر و فعال تری لذت ببرند (asla.org). البته پایداری اجتماعی در شهرها به آسانی با طراحی فیزیکی به دست نمی آید، افراد جامعه به عنوان سرمایه های انسانی و اجتماعی نقش اصلی را در توسعه پایدار داشته و دارند. تک تک افراد یک جامعه سرمایه های اجتماعی را می سازند، توسعه هم می تواند این منابع اجتماعی را ارتقاء دهد و هم نابود سازد (کاظمی محمدی، وشکویی، ۱۳۸۱). برای توسعه پایدار آینده نقش معماری ایجاد ساختارهای با هویت است. حفظ دارایی های اجتماعی و فرهنگی مانند مناطق تاریخی، ساختمان ها، پارک ها، موزه ها مؤثر است و به ایجاد هویت های مکانی و حس مکان کمک می نماید (asla.org). در این میان فضاهای شهری، به عنوان محملی برای تعاملات اجتماعی شهروندان و ایجاد بستری

برای تسهیل روابط اجتماعی، گسترش حس هم بستگی و تعاون، مشارکت مردم و به دست آوردن وجوه مشترک در افراد یک جامعه، در جهت پایداری و حیات اجتماعی، سیاسی، کالبدی شهرها واجد ارزش می باشد (پورجعفر، محمودی نژاد، ۱۳۸۱). این فضاها می توانند به عنوان مکانی برای تولید و تکثیر فرهنگ و رسیدن به هویت و حیات جمعی مشترک باشند و از این طریق با پایداری و ماندگاری یک اجتماع و حفظ انسجام آن پیوندی نزدیک دارد. و در نهایت اینکه طراحی پایدار می تواند به خلق راه های پایدار زندگی در یک جامعه کمک کند، یک ساختمان با پایداری اجتماعی، در صورت موفقیت، می تواند به مردم کمک کند تا منافع زندگی پایدار را درک کنند و به این ترتیب معماری می تواند راهبردهایی برای جامعه بهتر باشد (رئیس، حبیبی، ۱۳۸۶). در واقع در پایداری اجتماعی محور اصلی، انسان نسل حاضر و آینده می باشد و برآوردن نیازها، افزایش کیفیت زندگی او و استفاده از تمام ظرفیتها و توانش در بهبود وضع خود از اهداف پایداری اجتماعی است. که معیارهایی هم چون دسترسی برابر به منابع (عدالت اجتماعی)، توانایی خوب زیستن، سلامت و رفاه اجتماعی، امنیت، بالا بردن سطح آگاهی و آموزش، مشارکت، ارتقاء روابط جمعی و ... را دارا می باشد. باز خورد آن در معماری، بوجود آوردن معماری پاسخگو است که همخوان با نیازهای اساسی و عالی انسان، الگوهای رفتاری او و بهبود کیفیتهای فضایی مطابق با آن برای همه اقشار جامعه بویژه افراد کم درآمد و معلولین باشد، معماری که در برگرفته فرهنگ، اعتقادات و الگوهای رفتاری است. در این میان حمایت از زندگی اجتماعی و فرهنگی از طریق ارتقاء فضاهای عمومی برای درگیر کردن مردم و شهر، افزایش ارزشهای فرهنگی و ایجاد ساختارهای با هویت در جهت بوجود آوردن حس تعلق، ساخت محیط زندگی هارمونیک، و فضاهای انعطاف پذیر و ... از راهکارهای عملی طراحی برای دستیابی به پایداری اجتماعی است (بندرافکن، گچ کوب، ۱۳۹۰).

نیازهای رفتاری در معماری پایدار

معماران برای طراحی در راستای تأمین نیازهای انسان گام برمی دارند و هدف طراحان ایجاد محیط هایی است که نیازهای انسانی را مرتفع نماید؛ از سویی دیگر، رفتارها برای ارضای نیازها وارد عمل می شوند و از این رو شناخت نیازهای انسان برای طراحان محیطی از اهمیت ویژه ای برخوردار است (مطلبی، ۱۳۸۰، ۶۱). برای شکل گیری مبانی نظری معماری و چارچوب های طراحی، به مدلی از « نیازهای انسان^۲ » نیاز است تا پیچیدگی های رفتار آدمی را به گونه ای نظام مند توضیح دهد (همان، ۶۱). در این راستا لازم است نیازهای روانی و کالبدی به نحوی صحیح شناخته شوند. نیازهای کالبدی انسان با توجه به عملکرد توسط طراحان و با شناخت ضوابط، استانداردها و عملکردهای مشابه قابل تحقق است، اما در حوزه نیازهای روانی، طراح باید مدلی روانشناختی از نیازهای انسان را مبنای فعالیت خود قرار دهد. بررسی و پژوهش های انجام شده در حیطه روانشناسی محیطی و نظریه های معماری، قابلیت مدل آبراهام مازلو را که به «هرم نیازهای انسان» معروف است، برای استفاده در طراحی معماری و طراحی شهری مورد تأیید قرار داده است (نگ، ۱۳۸۴، ۲۵). با تدقیق در سطوح مختلف هرم فوق می توان سطح دوم آن را مبنای ارائه مدل برای نیازهای روان شناختی قرار داد. مازلو در سطح دوم یعنی «امنیت» به موضوع «امنیت منابع» و «امنیت سلامت» اشاره دارد که به نوعی در راستای تحقق اهداف رویکرد پایداری است (شکل ۳).



شکل ۳- مدل نیازهای انسان، هرم مازلو (مأخذ ۱۹۵۴، Maslow)

معماری پایدار در جهت بهبود رفتار انسان، نیازهای اجتماعی و روان شناختی او طراحی می شود و میزان موفقیت این رویکرد در دستیابی به این اهداف، بستگی به این نکته دارد که طراح دقیقاً تشخیص داده و پیش بینی نماید چه فعالیتی لازم و ممکن است صورت پذیرد و از دانش روانشناسی محیطی به منظور خلق فضا و تسهیلاتی که در جهت پیش بینی آنهاست بهره گیرد. در نظر گرفتن این نیازها در بخش گسترده ای، موضوعات رفتاری هستند (Wener et.al, 2006, 158). در راستای اصلاح نگرش های رایج به منظور ترویج رفتارهای پایدار می توان در دو سطح اصلی به موضوع پرداخت. سطح اول در فرآیند طراحی معماری و متأثر از نگرش طراح است و طراح می بایستی مدلی از نیازهای روانی (رفتاری) کاربران را با توجه به مباحث روانشناسی محیطی در نظر گیرد و به عبارتی پایداری را به منظور ترویج رفتارهای پایدار در تمامی گام های فرآیند طراحی به کار گیرد. سطح دوم مربوط به کاربران و بهره برداران (فردی و جمعی) است. (دانشپور، ۱۸)

روان شناسی محیطی

روان شناسی محیط از ابتدای دهه ۶۰ قرن بیستم به وجود آمد. ابتدا در سال های ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ اولین کار روان شناسی محیط این بود که آثار محیط فیزیکی و اجتماعی بر افراد را بفهمد، اما از دهه ۱۹۸۰ به بعد به بررسی نقش افراد بر محیط هم می پردازد. از جمله سرفصل های این شاخه از روان شناسی قلمرو و رفتار قلمروی، تراکم و ازدحام، استرس زاهای محیطی است. این رشته از روان شناسی شاخه ای است میان رشته ای که با معماری، معماری منظر و طراحی شهری رابطه ای نزدیک دارد (بدر، ۱۳۸۱). روان شناسان معتقدند محیط تاثیر انکارناپذیری بر رفتار و افکار انسان دارد. تا آنجا که بررسی رفتار انسان بدون توجه به محیط و شرایط حاکم بر آن ممکن نیست لذا طراحی محیط یک مسؤلیت فیزیکی صرف نیست بلکه فرآیندی اجتماعی است، برای اینکه محیط با روحیه کاربران پیوند یابد و انگیزه کافی برای زندگی اجتماعی و تحرک فراهم آورد، باید منطبق بر نیاز و انتظارات کاربران طراحی گردد. محیط باید جذاب و دلپذیر بوده و موجبات ارتقای کیفیت زندگی کاربران را در حد قابل قبولی ایجاد نماید (نوذری

۱۳۸۳، ص ۴۶). روان شناسی محیطی مطالعه پیچیده بین مردم و محیط اطرافشان است. به عقیده جیفورد^۴ روان شناسی محیطی با شاخه اصلی روان شناسی تفاوت دارد، زیرا به محیط فیزیکی روزمره می پردازد. این چارچوبی از نقطه نظرات، تحقیق ها و فرضیات را فراهم می آورد که می تواند به ما در درک بهتری از روابط متقابل انسان و محیط اطراف، کمک کند. با استفاده از این دانش می توان پیش از طراحی و ساخت، ارزیابی هایی را انجام داد که بهترین ابزار برای طراحان حرفه ای به حساب می آید. اگر ما بدانیم چه چیز در گذشته عملکرد بهتری از خود نشان داده است، برای طراحی بهتر در آینده آمادگی بیشتری خواهیم داشت. با استفاده از تئوری های کنترل می توان مشاهده کرد که محیط نقش اساسی را در شکل گیری احساس ارزش ها و توانمند ساختن برای افراد و گروه های مختلف ایفا می کند (رازجویان، ۱۳۷۶). جیفورد، روان شناسی محیط را بررسی متقابل بین فرد و قرارگاه فیزیکی وی تعریف می کند. به عقیده وی، در چنین تأثیر متقابلی، فرد محیط را دگرگون می کند و همزمان، رفتار و تجارب وی بوسیله محیط دگرگون می شود. منظور از قرارگاه فیزیکی، فضای فیزیکی با هدف های کاربردی و سازمانی تعریف شده است، مانند مدرسه که محل تعلیم و تربیت است. به طور خلاصه، در روان شناسی محیط، رفتار در تعامل با ابعاد فیزیکی و معماری یا نمادی محیط، مورد بررسی قرار می گیرد (جیفورد، ۱۹۹۷).

روان شناسی محیط در معماری

روان شناسی محیطی کاربردی، سعی در فراهم ساختن معیارهایی برای مدیریت بهتر محیط به منظور زندگی بهتر و رشد شخصیت افراد دارد. این رشته به مطالعه راه های موثر بهبود حفاظت از محیط طبیعی و روش های بهتر طراحی ساختمان ها و شهرها، با در نظر گرفتن نیازها و واکنش های رفتاری مردم می پردازد. هدف روان شناسی محیطی کاربردی، مدیریت بهتر محیط برای زندگی و رشد روانی بهتر است. این رشته به مطالعه راه های موثر حفظ محیط طبیعی، روش های بهتر طراحی شهرها و محلات و ابزارهای ارتقا آگاهی محیطی در بین مردم می پردازد. روان شناسی معماری به مطالعه چگونگی بازتاب نیازها و اولویت های مردم در سبک های معماری و نیز چگونگی شکل دهی رفتارها توسط طراحی های مختلف می پردازد. پیش از به دست آوردن یک طراحی قابل قبول، بررسی دقیق و مناسب نیازهای فرهنگی، اجتماعی و شخصی ساکنان ضرورت دارد. یک طراحی موثر باید آزادی رفتار، تحرک پذیری و انعطاف پذیری را به حداکثر برساند. از دیگر ملاحظات می توان به استفاده درست یا نادرست از فضا و نیازهای متفاوت و گاه متضاد محرمانگی و اجتماعی بودن اشاره کرد. اطلاع دقیق از انواع فعالیت ها و برنامه ها و الگوهای تعامل انسانی که در یک طرح صورت خواهد گرفت، برای طراحی مناسب معماری آن ساختمان ضرورت دارد. نشان داده شده است که نزدیکی به عناصر طبیعی مثل گیاهان، درختان، و آب، باعث آرامش بیشتر انسان ها می گردد. در نتیجه، یکی از ملاحظات اصلی معماران و برنامه ریزان شهری، چگونگی به کارگیری عناصر طبیعی در طراحی هایشان است (صمدزاده، ۱۳۹۳، ۱۰). هر یک از ما با استفاده از اطلاعاتی که از چارچوب تجربیات گذشته، هنجارها و ارزش های جامعه به دست آورده ایم، ادراک خاصی از محیط پیرامون خود داریم. به این جنبه از ادراک، ادراک اجتماعی^۵ گفته می شود. وقتی از ادراک اجتماعی حرف می زنیم، منظور نقش تأثیرهای اجتماعی^۶ در ادراک محیط و همین طور ادراک پدیده های اجتماعی است و بیش از آن که یک واکنش روانی - فیزیولوژیک در برابر محرک های محیطی باشد، یک تعامل^۷ ادراکی با محیط اجتماعی است (ایروانی و خدا پناهی، ۱۳۷۹: ۱۸۸-۱۸۹). بنابراین، هر ادراک اجتماعی، حاصل مقایسه مجموعه ای از اطلاعات واقعی با یک سلسله اعتقادات، تصورات، ذهنیات و ... اجتماعی است که فرد از فرهنگ و اجتماع خود در طول تجارب زندگی یاد گرفته است. در واقع از آن جایی که اجتماع یکی از منابع تعیین معنی برای ما است، ارزش های آن چارچوبی مرجع به وجود می آورد که گاهی باعث مقاومت ادراکی در برابر عناصر ناآشنا، نامأنوس، بی معنی و ... شده و گاهی باعث گزینش موارد خاص برای ادراک می شود. از این رو در پدیده های ادراکی، عوامل فرهنگی گروه، ارزش های

حاکم بر جامعه موجب تفاوت در ادراک می گردد. این عوامل بیانگر این مهم است که باید در طراحی ادراکات متفاوت فرهنگی را شناخته و متناسب با آن ها عمل کنیم. به عبارت دیگر از آن جایی که اشارات و الگوهای ذهنی که محرک ها را برمی انگیزند در هر فرهنگی متفاوت از دیگری است، طراحی در هر محیطی نیاز به شناخت فرهنگ حاکم بر آن دارد (پاکزاد، بزرگ، ۱۳۹۳، ۱۴۱).

نتیجه گیری

در قرن ۲۱، ما به فهمی بهتر و عمیق تر از معماری و چگونگی تاثیر آن بر زندگی مردم نیاز داریم. برای نیل به این مقصود از روش های گوناگونی در حوزه «علوم اجتماعی» و «روانشناسی محیط» می توان بهره جست. در میان کلید واژه هایی که معماری معاصر جهان را تعریف می کنند، معماری پایدار جایگاه ویژه ای دارد. ضرورت های جهانی در امر توسعه پایدار نقش معماری را در این زمینه شاخص تر می گرداند. مفهوم پایداری زمینه ساز تحولات و ظهور پارادایم های جدید در عرصه معماری شده است. توسعه پایدار در حیطه معماری به سه موضوع پایه ای اقتصاد، آلودگی محیط زیست و جنبه اجتماعی می نگردد. هدف طراحی پایدار یافتن راه حل های معمارانه است که همزیستی این سه جنبه را تامین کند. فرآیند حاصل از این تحقیق به این نتیجه دست یافته است محیط به مجموعه عناصر فیزیکی، شرایط اجتماعی و اقتصادی و بطور کلی، به پدیده ها و رویدادهایی اطلاق می گردد، که انسان را در برگرفته، و یا بدست او سامان می یابد. اگر افراد به محیط احساس پیوند نداشته باشند و یا به دلایل جسمی و روانی، در آن احساس آسایش و راحتی نکنند، محیط پاسخده نبوده و افراد علاقه ای بحضور فعال در محیط نخواهند داشت. انسان متعاقباً در هر لحظه در حال تبادل اطلاعات با محیط می باشد این ارتباط به صورت تأثیر پذیری و تأثیرگذاری بر محیط می باشد که از طریق تبادل مؤلفه های مشترک ذهنی انسان و محیط می باشد. برای استفاده بهتر از سرمایه ها و منابع موجود، بایستی به همه جوانب و ابعاد طراحی محیط از جمله نیازها و شرایط استفاده کنندگان توجه نمود. نقش معماران بعنوان شکل دهندگان اصلی محیط مصنوع بسیار حائز اهمیت است، ایجاد فضای باز و انعطاف پذیر، با افزایش کنترل ساکنین و تعیین حریم ها، از فشارهای روانی ناشی از رویارویی های ناخواسته در محیط به میزان زیادی خواهد کاست.

در رویکرد اجتماعی طراح باید خود را با دنیای فرهنگی و معانی استفاده کننده از فضاها آشنا نموده، با بهره گیری از روش های تحقیق در علوم اجتماعی و رفتاری به جامعه مورد نظر وارد شده و با ابزار علمی به سنجش روابط و تحلیل رفتارها بپردازد. در رویکرد اجتماعی دانش روانشناسی محیط کمک فراوانی به طراح می کند. برای هر چه طولانی تر شدن دوام و افزایش کیفیت جریان زندگی و تعامل بهتر میان فضا و جامعه، باید به فضا این قابلیت را داد که بتواند خود را با تغییرات در روش زندگی و نیازهای انسان منطبق سازد یا به عبارت دیگر معیارهایی را در طراحی در نظر گرفت که فضا را انعطاف پذیر نماید. در نتیجه انعطاف پذیری چه در سطح خرد و چه در سطح کلان و قابلیت انطباق فضا با نیازهای در حال تغییر انسان از معیارهای موثر در پایداری اجتماعی به شمار می آید.



شکل ۶- حوزه های مختلف پایداری (منبع: نگارنده)

پی نوشت ها

- | | | |
|----------------------------|----------------------|---------------|
| 1- Sustainable Development | 4-Gifford | 7-Transaction |
| 2- Human needs | 5- Social Perception | |
| 3- Abraham Maslow | 6- Social Influence | |

منابع

- مرتضوی، شهرناز، (۱۳۸۰)، «روان شناسی محیط و کاربرد آن»، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- مک اندرو، فرانسیس تی، (۱۳۹۳)؛ «روان شناسی محیطی»، ترجمه دکتر غلامرضا محمودی؛ نشر وانی؛ چاپ چهارم؛ تهران.

- لنگ، جان، (۱۳۸۴)؛ «آفرینش نظریه معماری؛ نقش علوم رفتاری در طراحی محیطی» ، ترجمه علیرضا عینی فر؛ انتشارات دانشگاه تهران؛ تهران.
- صمدزاده، مهدی و نیک نژاد، احمد و ابی اوغلی، هادی و شهباززادگان، بیبا؛ (۱۳۹۳) ؛ مقاله «بررسی ارتباط بین روان شناسی محیطی و طراحی با رویکرد معماری» ؛ ماهنامه بین المللی راه و ساختمان.
- نمازیان، علی ، (۱۳۸۹) ، مقاله «روانشناسی محیط در معماری».
- مزینی، منوچهر، (۱۳۷۶) ، «از زمان و معماری» ، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات معماری و شهرسازی ایران، چاپ اول، صفحه ۱۴-۲۵ .
- رئیسی، ایمان و عباس زادگان، مصطفی و حبیبی، ابوالفضل (۱۳۸۶) ، مقاله «پایداری اجتماعی در مسکن»، مجله آبادی، شماره ۵۵، تابستان صفحه ۶-۱۳.
- سفلائی، فرزانه (۱۳۸۳) ، مقاله «کنکاشی پیرامون مفاهیم و تجارب معماری پایدار»، مجله آبادی، شماره ۶۴، صفحه ۶۱-۶۸.
- احمدی، فرهاد (۱۳۸۳) ، مقاله «معماری پایدار»، مجله آبادی، شماره ۴۰ و ۴۱، ص ۹۴.
- نصیری، نگار (۱۳۸۶) ، مقاله «روانشناسی محیط»
- آلمن، ایروین (۱۳۸۲) ، «محیط و رفتار اجتماعی: خلوت، فضای شخصی، قلمرو، ازدحام»، ترجمه: علی نمازیان، ویراستار جواهر افسر، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- بدار، لوک و ژوره دزیل و لوک لامارش (۱۳۸۱) ، «روان شناسی اجتماعی»، ترجمه دکتر حمزه گنجی.
- خداپناهی، محمدکریم و ایروانی، محمود؛ «روانشناسی احساس و ادراک» ، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۹.
- مطلبی، قاسم، (۱۳۸۰) ، «روان شناسی محیطی: دانشی نو در خدمت معماری و طراحی شهری» ، نشریه هنرهای زیبا، انتشارات دانشگاه تهران، شماره ۱۰.
- دانشپور، عبدالهادی و مهدوی نیا، مجتبی و غیائی، محمد مهدی، (۱۳۸۸) ، مقاله «جایگاه دانش روان شناسی محیطی در ساختمان های بلند مرتبه با رویکرد معماری پایدار»
- حبیبی، محسن (۱۳۸۰) ، فضای شهری: برخورد نظریه ای، مجله علمی پژوهشی صفا، شماره ۳۳، صفحه ۴-۱۳.
- پورجعفر، محمدرضا و محمودی نژاد، هادی، طراحی شهری و سرمایه اجتماعی در فضاهای شهری، تهران، انتشارات هله، ۱۳۸۸.
- بذرافکن، کاوه و گچ کوب، مریم؛ مقاله «کنکاشی پیرامون ابعاد اجتماعی پایداری و رابطه آن با معماری» ؛ مجموعه مقالات دومین همایش ملی معماری پایدار؛ ۱۳۹۰/۱۲/۷ .

- Motalebi Esfidvajani, Ghasem (1996). "pictures as Real Environments in 156, in M. A. Groves and S. Wrong (eds.). Design for people. Proceeding of PAPER96 Confernce in Perth, Australia. Sydney: Edit Cowan University.

- Barron, L. and Gaunlett, E., 2002, "Housing and Sustainable Communities" ,Indicators project, western Australian council of social service.

- GTZ, 2004, "Chance for Sustainable Development" , Programme Office for Social and Ecological Standards, Email: social-ecological-standards@gtz.de.
- DFID, 2002, "Indicators for Socially Sustainable Development" , [Http://www.livelihood.org/info/docs/wssd-indbr.pdf](http://www.livelihood.org/info/docs/wssd-indbr.pdf).
- Moffatt, I., 1996, "Sustainable Development, Principles, Analysis and Policies", The Parthenon Publishing group, London.
- Martin. P.J., 2001, Speech delivered to the Conference on "The European Social Agenda and the EU's International Partners" , The Social Dimensions of Sustainable Development , Brussels.
- Overton, J., 1999, "Strategies for Sustainable Development" Zed books, London and Newyork city.
- Research". Pp. 141-
- Harris, M.J., 2000, "Basic Principles of Sustainable Development" , Global Development and Environment institute, Tufts University Medford MA 02155, USA.
- Goodland, R., 2003, Sustainability Human, Social, Economic and Environmental, World Bank Washington DC, USA.
- Long, D., 2003, "Atoolkit of Indicators of Sustainable Communities' Formerly a Toolkit of Sustainability Indicators , the housing corporation and European institute for urban affairs.
- Gifford, Robert, (1997), "Environmental Psychology, Principles & Practice", Allyne & Bacon. (5th edition).
- Wener R, Carmalt H (2006). "Environmental psychology and sustainability in high-rise structures", Technology in Society 28; URL: <http://www.elsevier.com/locate/techsoc> .
- Chan, Edwin, grace k. l. lee., critica factors for improveing social sustainability of urban renewal projects, social indicators research, volume85,number2,2010.
- [http://www.social sustainability.org](http://www.socialsustainability.org)
- <http://www.asla.org/socialmodels/>